

حیثیت کیومتریکی^۱

• نوشته: دورا کوستا^۲، جین لوک دمیولمیستر^۳، کلود دیپلت^۴

• ترجمه: دکتر هوشنگ خسروبیگی^۵، یزدان فرخی^۶

چکیده^۷: نوشتار حاضر نخستین مقاله از مجله‌ی کیومتریکی (نشریه‌ی اقتصاد تاریخی و تاریخ اقتصادی) و در واقع اعلام‌نامه‌ای از سوی متخصصان و نظریه‌پردازان این روش نوین در مطالعات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای تاریخ و اقتصاد به‌شمار می‌رود. ویژگی‌ها، ابعاد و زمینه‌های پژوهشی رویکرد کیومتریکی در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. بررسی آراء منتقدان و پاسخ به برخی ابهامات و ایجاد برخی دیدگاه‌های نوین در پژوهش‌های کیومتریکی نیز بخشی از اهداف این مقاله را دربرمی‌گیرد. این مقاله مرحله‌ی تازه‌ای از کیومتریکی را به‌عنوان رویکرد تازه‌ای در میان علم اقتصاد و تاریخ نشان می‌دهد. مرحله‌ای که این روش توانسته است از میان انتقادات سربرآورده و نقش بسیار چشم‌گیری در پیش‌برد اهداف علمی ایفا کند.

واژگان کلیدی: کیومتریکی، مطالعات میان‌رشته‌ای، اقتصاد، تاریخ، اهداف، روش‌ها

گاه‌گاه پیدایش کیومتریکی انقلابی واقعی در تاریخ علم اقتصاد و یا حتی شکستی تمام‌عیار برای [رویکرد] سنتی توصیف می‌شود. خواه این مسأله درست باشد یا نادرست، برای اقتصاددانان کنونی اهمیت چندانی ندارد. نظرگاه رابرت فوگل (Robert Fogel) یکی از مدافعان مکتب نوین چنین است که میان تاریخ اقتصادی قدیم و جدید پیوستگی روشنی وجود دارد. واقعیت چنین است که وجود کیومتریکی به‌خودی‌خود شکاف میان تاریخ اقتصادی سنتی و علم اقتصاد را پر می‌کند. هم‌چنین کیومتریکی با تبیین تاریخ به زبان اصولی، نقش تازه‌ای برای تاریخ در اقتصاد برقرار ساخته است. امروزه حتی می‌توان گفت که [این رویکرد] قلمرو گسترده‌ای در علم اقتصاد دارد، در مباحث جدید نقش ایفا می‌کند یا دانش سنتی قدیمی را به چالش می‌کشد. کاربرد فنون اقتصادسنجی و نظریه‌ی اقتصادی به‌تنهایی سهمی در ازسرگیری مباحث تاریخ اقتصادی ندارد و مناقشات کمی را غیرقابل اجتناب می‌سازد. این مسأله هم‌چنین در پدیدار شدن تدریجی نوعی آگاهی تاریخی در میان اقتصاددانان نقش داشته است.

درواقع کیومتریکی چیزی فراتر از تاریخ اقتصادی و مفاهیم کمی است. برای مورخان انقلاب کیومتریکی در برآمدن پژوهش کمی نقش داشته است. هرچند پدیده‌های تاریخی به‌خودی‌خود به صورت عددی در نمی‌آید؛ اما می‌توان از همه‌ی آن‌ها بعد کمی به‌دست آورد. درواقع این دورنما از سوی دانشمندان کیومتریکی سازمان یافته تا بر لزوم پیشروی به مرحله‌ی فراتری از مقادیر صرف آماری و کاربرد شاخص‌ها تأکید شود و بلکه حتی آن سوتر رفته و به ضرورت نظریه‌ی استوار جهت سازماندهی مواد آماری پافشاری کند. پژوهشگران تاریخ با به کار بستن ابزاری از اقتصاد، برخی از مسائل کلیدی تاریخ ایالات متحده‌ی آمریکا را بازبینی کردند. مسائلی چون علل و اسباب جنگ داخلی تا موضوعی مانند نقش راه‌آهن در توسعه‌ی آمریکا. به‌تدریج متوجه قضایای کلیدی مباحث تاریخ سیاسی سنتی شدند. مانند عامل تعیین‌کننده‌ی شمارش آراء نازی‌ها و یا تأثیر استعمار و غیره. این تفسیر فراهم‌آمده از دیدگاه‌های کیومتریکی، امروزه به بیشتر چشم‌اندازهای سنتی افزوده شده که گاهی شکل تکمیلی داشته و گاهی چنین برمی‌آید که دیدگاه‌های سنتی فاقد دقت فراوان یا ارتباط تجربی است.

کیومتریکی به سوی طرح رویکردهای علمی‌تر در علم تاریخ و اقتصاد هدایت می‌شود. در تاریخ مشغله‌ای برای کمی‌سازی سیستماتیک و به همان اندازه الگوسازی (ریاضی) فرایندها معرفی می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که اگر

تاریخ حوزه‌ی تفسیر باقی بگذارد، بعدها می‌تواند برای سازگاری منطقی و نیز در رابطه‌ی تجربی از طریق به‌کارگیری نظریه‌ی اقتصادی، تحلیل آماری، فنون مهارتی اقتصادی بازتعریف شده و مورد پرسش قرار گیرد. حتی اگر رویدادهای تاریخی امر منحصر به فرد (یک بار واقع شده) در گذشته باشند، باز هم نتایج شبکه‌ی پیچیده‌ای از پیوندها به‌شمار می‌رود که کلیومتریک کمک می‌کند تا آن را از تنیدگی رهایی بخشد. کلیومتریک هم‌چنین می‌تواند بحث‌های مربوط به اهمیت نسبی عوامل در توضیح یک پدیده را مطرح سازد. با ساختن مدل‌هایی راه‌گشای شبیه‌سازی شده، روابط ساختاری آن سوی وقایع (بعدا برحسب اشکال ساده‌شده از یک نظام پیچیده‌ی قابلیت تفسیر بیشتری می‌یابد) می‌تواند شرایط را در نقطه‌ای که عامل مورد توجه (مانند ساختن شبکه‌ی راه‌آهن) وجود ندارد، به‌منظور برآورد اهمیت واقعی پدیده با وسعت جهانی بیشتر، با اطمینان بسیار شبیه‌سازی کند. (مثل فرایند رشد ایالات متحده آمریکا) این اصول روش‌شناختی (به‌کارگیری امور خلاف واقع) در کنار به‌کارگیری داده‌های دوره‌ی‌های زمانی درازمدت و تحلیل آن‌ها با به‌کارگیری ابزار دوره‌ی‌های زمانی اقتصادسنجی، می‌توان سهم بسیار مهم کلیومتریک به‌ویژه برای پژوهش‌گران علوم اجتماعی، تاریخ داشته باشد.

در علم اقتصاد دورنمای کلیومتریک بُعد تاریخی لازم را که اغلب در بسیاری از مقاله‌های اقتصادی حضور ندارد، مجدداً برقرار می‌سازد. مدت‌های مدید اقتصاددانان در فکر برپایی فیزیک اجتماعی بودند که به‌عنوان علمی جهانی و قوانینی دنیوی (a temporal) تفسیر می‌شود.

حتی گرایشی به این دیدگاه وجود دارد که اقتصاد صرفاً شاخه‌ی دیگری از ریاضیات کاربردی است. یعنی می‌توان آن را اکتشاف محدودی از نتایج شماری اعداد متعارف عمل منطقی دانست. این همکاری تجربی در بهترین حالت، درجه‌ی دوم است و در بدترین شکل به‌عنوان چیزی که هیچ سودی از آن برای کشف قوانین اقتصادی به دست نمی‌آید، به نظر می‌رسد. مسیر وابستگی (Path dependency)، زمان تاریخی و غیره از تحلیل کنار گذاشته شده و به مکتب اقتصادی مشهور به ارتداد (مارکسیست‌ها و تکامل‌گرایان evolutionists و غیره) واگذاشته شده است. با انقلاب کلیومتریک در اقتصاد همه چیز [گوی] به آهستگی تغییر پیدا کرده است. اقتصاددانان به گونه‌ای فزاینده از این مسأله آگاهی می‌یابند که موضوعات تاریخی دارای جنبه تجربی (چگونه کسی می‌تواند مزیت الگوها را در رشد یا توسعه اقتصادی، بدون رویارو ساختن آن‌ها با واقعیت‌های تصنعی برآمده از تحلیل‌های کلیومتریک ارزیابی کند) و هم نظری (انتخاب‌های گذشته بر امروز و آینده برخورد می‌کند، راه وابستگی وجود دارد خواه برای قاعده‌های تکنیکی خواه برای نهادها و همه‌ی این‌ها می‌تواند الگوسازی شود) است. جدای از نظرگاه‌های مقدماتی مکتب اولیه‌ی از کلیومتریک (دیدگاهی بر این باور است که فناوری تنها از راه اقتصاد به تاریخ منتقل می‌شود) در مکتبی نوین از کلیومتریک بر نقش نهادها و انگیزه‌هایی که بر وجود آن‌ها بسیار دلالت دارد، تأکید می‌شود.

فولگر بر پایه‌ی ویژگی‌های روش‌شناسی، رویکرد کلیومتریک را تعریف کرده است. از نظر وی دو ویژگی کلیدی مطرح است: اندازه‌گیری پدیده و تکیه بر نظریه‌ی (اقتصادی). ویژگی‌های اخیر از مرکزیت کمتری (و یا از تاژی) نسبت به نمونه‌ی پیشین برخوردار است. اگر مطمئناً چنین مرکزیتی وجود دارد، پس کمیت بخشی به خودی خود برای مشخصه‌بندی رویکرد کلیومتریک بسنده نیست، همان‌طور که اغلب به‌عنوان نوع دیگری از تشریح در نظر می‌آید.

اطلاعات گردآوری شده، نمودارها طرح می‌شود، اما هم‌چنان محور اصلی بحث سنتی باقی می‌ماند (نوعی شرح ایضاحی که با فضل و دانش و پنداشت‌های وسوسه برانگیز قابل توجه همراهی می‌شود) در این‌جا رویکرد علمی کوشا برای سنجش با روشی معین، تشخیص صحت و سقم سازگاری منطقی بحث از طریق الگوهای ریاضی، حضور ندارد. مباحث موردی‌اند و بر بدنه‌ی قدرتمند نظریه تکیه ندارد. کلیومتریک نوآوری در مفهومی بود که به صورت ریاضی درآوردن تمامی پیشرفت‌های اقتصادی گذشته را برحسب الگوهای فرضی - قیاسی معتبر، برپایه تئوری اقتصادی (احتمالاً اقتصاد سخت‌ترین علم در میان علوم «نرم‌تر» است) را مطرح کرده و آن‌ها در یک روش قیاسی آزمایشی در یک نمونه‌ای که در اقتصاد سنتی مورد استفاده است ثبت می‌کند؛ مانند به‌کارگیری تکنیک‌های اقتصادسنجی. کلیومتریک سازه - الگو و آزمایش آماری مباحث نظری در تاریخ را ایجاد می‌کند. ساختمان الگوها در آغاز کار به شدت تحت نفوذ اقتصاددانان آن دوره قرار داشت: ساختمان الگوهای متعادل جزئی و کلی که مؤلفه‌های گوناگونی از تکامل اقتصادی مورد تحقیق را عرضه کرده و روابط آن‌ها را به صورتی روشن الگوسازی می‌کرد. این روابط مشخص شده در این الگوها را می‌توان با به‌کارگیری تکنیک‌های اقتصادی مورد سنجش قرار داد. همبستگی‌ها و (یا) روابط علی معلولی را می‌توان تخمین زده و اهمیت نسبی روابط نظری را در دوره‌های خاصی از تاریخ مورد آزمایش قرار داد.

کلیومتریک در مرحله‌ی نخست الگوهای فرضی - قیاسی را به‌کار می‌گیرد تا نتایج و تأثیرات نوآوری‌ها (مانند راه آهن)، نهادها (مانند برده‌داری) و فرایندهای صنعتی در رشد و توسعه اقتصادی را تعیین کند؛ مورخان تا آن زمان نظریات بسیاری را بدون آزمون دقیق از آن‌ها (مانند نقش کلیدی راه آهن در توسعه‌ی اقتصادی ایالات متحده، ناکارآمدی برده داری و غیره) پذیرفته بودند. آن‌ها به طور ضمنی تصور می‌کردند که بدون این نوآوری‌ها یا نهادها، امور می‌توانست به گونه‌ای متفاوت تبدیل شود. در واقع حتی اگر آن‌ها علاقه‌ای به اقرار چنین مسأله‌ای نداشته باشند، مورخان در بیشتر اوقات چنین عبارات خلاف واقع را به‌کار می‌برند (با تأکید بر نقش مدرنیزاسیون یکی از رهبران - آن‌ها تلویحاً تصور می‌کنند بدون این رهبران چهره‌ی تاریخ می‌توانست متفاوت شود) انقلاب کلیومتریکی به محققان امکان می‌دهد چنین ادراکات را با رسمیت بیشتری آزمایش کنند؛ آن‌ها می‌توانند الگوهای بسازند که تأثیر نبود چنین عواملی به‌درستی ثابت شده و با واقعیت‌های تاریخی دیگر مقایسه شود.

این رویکرد کلیومتریک با انتقادات بسیاری روبه‌رو شده است. برخی از مورخان به واقعیت‌های سخت (خشک) و گاهی شرایط واقعیت‌ها و تصاویری که در واقع از آرشوهای گردآوری شده است، اعتقاد بسیاری دارند. الگوهای توسعه اقتصادی آمریکا بدون راه آهن بدعت‌گذاری (تاریخ ساختگی fictional history) تلقی شده و سری‌های زمانی قیاسی به این دلیل که هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را از آرشوها پیدا کند، کنار گذاشته شده است. اما در بسیاری از موارد نیز مورخان سنتی برای ارزیابی صحیحی از چنین شیوه‌هایی فاقد فرهنگ علمی هستند. بسیاری حتی دانش ابتدایی از آمار و احتمالات ندارند. امور به آهستگی تغییر می‌یابند همان‌گونه که رویکرد کلیومتریک به پژوهشگران امکان می‌دهد تا برخی مناقشات تاریخی را به صورتی قطعی حل کنند، انتقاد بنیانی‌تر در مقابل استفاده از ابزارهایی از اقتصاد مشهور به نئوکلاسیک توسط متفکران مبدع مختلف مطرح شده است. اما این مسأله صرفاً بخشی از یک انتقاد بسیار گسترده‌تر علیه خود علم اقتصاد به‌شمار می‌آید.

کلیومتریکی چیزی فراتر از تاریخ اقتصادی و مفاهیم کمی است. برای مورخان، انقلاب کلیومتریکی در برآمدن پژوهش کمی نقش داشته است

دقیق تحلیل‌های اقتصادی موضوعات تاریخی، کلیومتریکی‌ها می‌توانند مدعی موفقیت‌ها و هم پیشرفت‌های نظری باشند. این رویکرد به درکی بهتر از توسعه‌ی اقتصادی گذشته کمک کرده و در عین حال نظریه‌های اقتصادی را با واقعیت‌هایی روبه‌رو ساخته است؛ یعنی آزمون‌ی برای رابطه‌ی آن‌ها در مدت طولانی. همان‌طور که انگل Engle و گرانگر Granger می‌گویند، نظریه‌ی اقتصادی قوانین دراز مدتی از رفتاری را ایجاد می‌کند که بتوان استحکام را در دورنمای طولانی مدتی بهبود بخشید. تنها یک رویکرد کلیومتریکی است که می‌تواند نظریه پاسخ‌گو به واقعیت‌های تجربی را ایجاد کند، در حالی که تنها یک آگاهی تاریخی نیز می‌تواند به اقتصاددانان برای طرح یک نظریه بهتر (مرتبط‌تر) کمک کند. علم واقعی به همان اندازه که قیاسی است باید استقرایی نیز باشد. اقتصاد محدود به صرفاً شکل دیگری از ریاضیات (تحلیل تمامی نتایج منطقی امور بدیهی اقدامی معقول) - حتی اگر همانند همه‌ی اعمال منطقی به منظور برداشتن محدودیت این نوع تفسیر کارآمد باشد - و همین که به این اصول ادعا شده در مورد پدیده‌ی جهان واقع سخن بگوید، خطرناک است. به هر حال البته تنها نظریه می‌تواند به شناسایی الگوهای ثابت کمک کرده و پیوندهای علی بالقوه را در یک سیستم‌های پیشرفته که اقتصاددانان و یا توصیفات سنتی قادر به پیشبرد آن‌ها نیستند را فراهم آورد.

در مرحله‌ی پیشرفت کنونی کلیومتریکی، دست‌آورد عمده آن استقرار مجموعه‌ای استوار از تحلیل‌های اقتصادی پدیده‌های تاریخی و تکامل از طریق به کارگیری اندازه‌گیری که با نظریه‌ی پیش‌بینی و مشخص می‌شود. هنگامی که کسی بخواهد پیوندهای علی پیچیده را در سیستم‌های اقتصادی شناسایی کند، چیزی نمی‌تواند جایگزین الگوی ریاضیات شود و هنگامی که قصد استخراج بیشترین اطلاعات را در مجموعه‌ی داده‌های عظیم وجود داشته باشد، چیزی نمی‌تواند جای تحلیل‌های آماری و اقتصادسنجی را بگیرد. زمانی که با مواد کمی سروکار داریم، قضاوت‌های خالی از ظرافت و بی دقت امپرسیونیست‌ها از تفسیر داده‌ها و بدون آگاهی از نظریه‌ی و تکنیک‌های آماری، دیگر از سوی تاریخ پژوهان علم اقتصاد جدی، پذیرفتنی نخواهد بود. جعبه‌ی ابزار toolkit متخصصان علم اقتصاد و آمار اکنون بخش اجتناب‌ناپذیری از فرهنگ عمومی مورخان جدید است. البته تحلیل‌های کیفی اهمیت خود را حفظ خواهد کرد (همان‌طور که در خیزش مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسی در تاریخ نشان داده شده است) اما باید با تحلیل‌های متفاوت مؤکد بر تکامل و روابط پنهان از طریق به کار بستن تکنیک‌های ریاضی و آماری تکمیل شود. اگر تاریخ (یا اقتصاد) قوانین خود را همانند علوم طبیعی هم قطار ثابت کنند، دست کم می‌تواند به سختی تا حد ممکن تلاش کند بیشترین

تا این که موردی ویژه مربوط به کلیومتریکی. همان‌طور که در هر رشته‌ای سربرآوردن مکتب نوین به درگیری‌هایی برای منابع دانشگاهی کمیاب منجر می‌شود، مباحث به سوی کم اهمیت نشان دادن رقیبی تهدیدآمیز کشیده می‌شود. این به معنای اشتباه بودن تمامی انتقادات نیست. مانند علم اقتصاد این دوره، کلیومتریکی با شدت بر استدلال‌های رقابت کامل تکیه کرده، دیدگاه نادرستی از زمان داشته، نمی‌توانست نهادها را به صورت جدی به‌شمار آورد. به هر حال چیزهایی تغییر کرده، در نتیجه هر دو [دیدگاه] ارزیابی مناسبی از انتقادات بیرونی و تأثیر تغییرات داخلی در خود پژوهش اقتصادی به‌وجود آمده است. امروزه کلیومتریکی‌ها دانش شایسته‌ای از ادبیات سنتی تر دارند (حتی اگر از آن انتقاد کنند). آن‌ها نهادها را نیز به شکلی پر اهمیت به‌شمار می‌آورند.

نکته‌ای که به هر روی باید پذیرفته شود این است که نتایج به‌دست آمده از کاربرد تکنیک‌های بسیار ماهرانه، قطعیت کمتری از حد انتظار آن چه توان پژوهشگران ممتاز و فراوان این رشته دارند، برخوردار است. انتقاد در این زمینه که تحلیل‌های اقتصادی به تنهایی و حتی با یاری ابزار استادانه اقتصادی قادر نیست تفاسیر علی کاملی برای فرایندهای تغییرات ساختاری به وجود آمده در تاریخ اقتصادی فراهم آورد، بی‌تردید به حق است. توسعه اقتصادی در تاریخ بسیار پیچیده است. وقفه‌های غیر سیستماتیک در تکامل اقتصادی به چشم می‌آید (مانند جنگ‌ها، بحران بازارهای بورس که با مدهای زودگذر (fads) مشخصه‌بندی شود، تشنج‌های جمعی، شوک‌های سیاسی و غیره) که به چشم اندازه‌های چند حوزه‌ای (چند رشته‌ای multidisciplinary) و ابزارهای تحلیل دیگری به‌جز نمونه‌ی ساده در اقتصاد نئوکلاسیک، نیازمند است. به هر حال دلیلی وجود ندارد که از افق مناسب تفاسیر اقتصادی با تلاش برای شمار آوردن چنین پدیده‌ای از طریق به کارگیری بسیار ماهرانه‌ی پیشرفت‌های اقتصادی، ارزیابی به دست داده نشود. در اقتصاد گرایشی با هدف ارائه گزارش پدیده سنتی با ارزیابی به کمک حوزه‌های دیگر (علوم سیاسی، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و غیره) و نیز به‌وسیله‌ی روش فکری اقتصاددان و تکنیک‌هایش وجود دارد. این رویکردها اغلب بینش تازه‌ای به موضوعات تحلیل شده می‌دهد. هم‌چنین بینش کلیدی و تکنیک‌هایی مربوط به قضیه‌ی تاریخی می‌دهد. ضمناً کلیومتریکی به آن سوی پدیده‌های صرفاً تاریخی (رشد، امور مالی، تحلیل بخشی، بازارهای کار و غیره) و به گزارش از پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پا گذاشته است. اگر رویکرد اقتصادی و به‌ویژه کلیومتریکی جانشین دیگر رویکردها نمی‌تواند باشد، مطمئناً مکمل بسیار کارآمدی به‌شمار می‌رود.

بنابراین علی‌رغم برخی نتایج ناامید کننده از متوقع‌ترین و یا کاربردهای بسیار

فوگل بر پایه‌ی ویژگی‌های روش‌شناسی، رویکرد کلیومتریکی را تعریف کرده است. از نظر وی دو ویژگی کلیدی مطرح است: اندازه‌گیری پدیده و تکیه بر نظریه‌ی اقتصادی

کلیومتریکی

ممکن حرکت می‌کنیم. مجله‌ی ما اهداف و آرمان‌های بسیار والایی دارد. تضادفی نیست که این عنوان بازتاب‌کننده‌ی مجله‌ی اقتصادی مشهوری مرتبط با ابزارهای اقتصادی، ریاضیات و آمار است. شامپتر (Schumpeter) در نخستین موضوع اکونومتریکی [اقتصادسنجی] هم‌چنین به اقتصادی تاریخی (یا دست کم تاریخ اقتصادی) به‌عنوان یکی از بناکننده‌ی building block پایه‌ای اصولی، نظریه‌ی جانبی، جامعه‌شناسی آماری و اقتصادی توجه می‌کند. همان‌گونه که شامپتر در مورد ابزار کمی می‌گوید، اهداف مجله‌ی ما نیز برپایه‌ی عرصه‌ای قابل اطمینان زد و خورده‌ها به منظور پرورش دادن نقش روش‌های تاریخی (دربرگیرنده‌ی روش‌های کمی و شاید عمدتاً) با هدف توسعه اقتصاد به‌عنوان یک علم است. از این رو آن‌چه که جزو قلمرو این مجله نیست بسیار روشن است، مجله‌ی دیگری در اقتصاد خالص یا تاریخ اقتصادی سنتی، به موضوعات تاریخی‌تر در عوض نقش مباحث اقتصادی به خودی خود می‌پردازد. هیأت تحریریه در مطابقت [با موضوعات] تعیین شده است.

پی‌نوشت

۱. این نوشتار ترجمه‌ای است از:

Dora Costa, Jean-Luc Demeulemeester and Claude Diebolt, What is 'Cliometrica'?, Cliometrica (Journal of Historical Economics and Econometric History) Volume 1, Number 1 / April, 2007, pp 1-6.

2. MIT Department of Economics, E52-274C, 50 Memorial Drive, Cambridge, MA 02142-1347, USA, Email: costa@mit.edu

3. DULBEA, Université Libre de Bruxelles & SKOPE, University of Oxford, 50 Avenue F.D. Roosevelt, 1050 Bruxelles, Belgium Email: jldemeul@ulb.ac.be

4. (Corresponding author) Faculty of Economics, BETA/CNRS, Université Louis Pasteur de Strasbourg & Humboldt-Universität zu Berlin, 61 Avenue de la Forêt Noire, 67085 Strasbourg Cedex, France orr Email: cdiebolt@cournot.u-strasbg.fr

۵. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور

۶. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور و دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی. Email: yazdanfarrokhi@gmail.com

۷. این مقاله در اصل فاقد چکیده است و آن‌چه به‌عنوان چکیده و واژگان کلیدی آمده از مترجم است.

شواهد را له و علیه نظریه‌ای خاص اقامه کند. در این معنا مورخان اقتصادی تمایل دارند با شیوه‌های دیگر علوم اجتماعی (کمی) همراه شود. در این شیوه می‌توان تفاسیری را مطرح ساخت که بیشتر با حقیقتی فرضی هم‌گرایی دارد. با اندازه‌گیری پدیده، با آزمون فرضیات، با مطرح ساختن الگوهای دقیق پدیده تحت مطالعه، می‌توان امیدوار بود که به سطح بالاتری از تحلیل‌های کیفی دست پیدا کرد. جایگاه مناسبی برای کمی‌سازی در علوم اجتماعی بی‌تردید در مسأله‌ای است باید مورد بحث قرار گیرد. مطالعات فرهنگی، تحلیل دقیقی از زندگی روزانه‌ی مردم در گذشته، تحلیل‌های روایات و غیره، مطمئناً راه‌های معتبری برای تحقیقات در گذشته است به هر حال ما مجاب شده‌ایم که رویکردهای کمی به همان اندازه معتبرند. همان‌طور که پیشتر مطرح شد بسیاری از پدیده‌ها (تقریباً همه‌ی پدیده‌های اقتصادی، اما همه‌ی پدیده‌های اجتماعی به همان اندازه: آموزش تا جرم) نیز یک بعد کمی دارند. تنها مورخان اقتصادی که در تکنیک‌های اقتصادی آموزش داده می‌شوند و اقتصاددانانی همانند مورخان آموزش داده می‌شوند، می‌توانند به صورتی جدی به چنین داده‌هایی به شکلی دقیق مورد انتظار پژوهشگران علوم اجتماعی کنونی، رسیدگی کنند، کسانی که در فرهنگ علمی بسیار متبحرتر از چندین دهه‌ی پیش شده‌اند. تاریخ اقتصادی اکنون به سطح بالاتری از تخصص گرای، به کار بستن مهارت بسیاری از تکنیک‌ها رسیده است - نه به شکلی امیدوارکننده به هزینه‌ی بوریس.

علوم اجتماعی و اقتصادی امروزه بیش از پیش در بعد تکنیک‌شان مهارت یافته‌اند و تاریخ اقتصادی نمی‌تواند به تأخیر بیفتد. البته تکنیک نمی‌تواند به خودی خود جای پیدا کند (شهادت بیابد) اما به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد دانش و فهم ما از تاریخ و هم‌چنین پدیده اقتصادی است.

کلیومتریکی - مجله‌ی اقتصاد تاریخ و تاریخ اقتصادی در این گرایش برای مهارت بیشتر، تاریخ اقتصادی متقاعدکننده و علمی نقش داشته و برای تاریخ و اقتصاد نیز به همان صورت بتواند مورد نیاز باشد. این مجله جدید قصد دارد حمایت‌های موجود را عمدتاً با تأکید بر نقش تاریخ اقتصادی در مباحث اقتصادی و پیشرفت‌های اقتصادی افزون کند. ما قصد داریم تا بر اهمیت و ارتباط تاریخ اقتصادی جدید برای تخصص اقتصادی به صورت گسترده تأکید شده و نه تنها برای اقتصاد بلکه برای دیگر مورخان نیز به همین صورت انجام شود. مجله‌ی ما عمدتاً نشریه‌ی اقتصادی تخصصی است. گرچه راه برای همه‌ی رویکردها باز است، اما توجه به مباحث اقتصادی است که باید پیش برده شود. رویکردهای اقتصادی نه بیشتر و نه کمتر از نمونه‌های سازمانی استقبال می‌کند. بدون نیاز به گفتن این مسأله‌ی ما به سوی بالاترین کیفیت